

یکشنبه • ۲۲ آذر ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۶۸ • ۹

روزنامه		
جهان		
یک‌سال‌گذشت...؛بررسی واکنش سه دانشگاه بزرگ تهران	صفحه ۱۰	
کیف‌شناسی به‌جای معناشناسی؛ درباره «علیه تفسیر»	صفحه ۱۱	
نگاهی به مفهوم «عشق» از فراز دنیای مفاهیم استعاره‌ای	صفحه ۱۲	

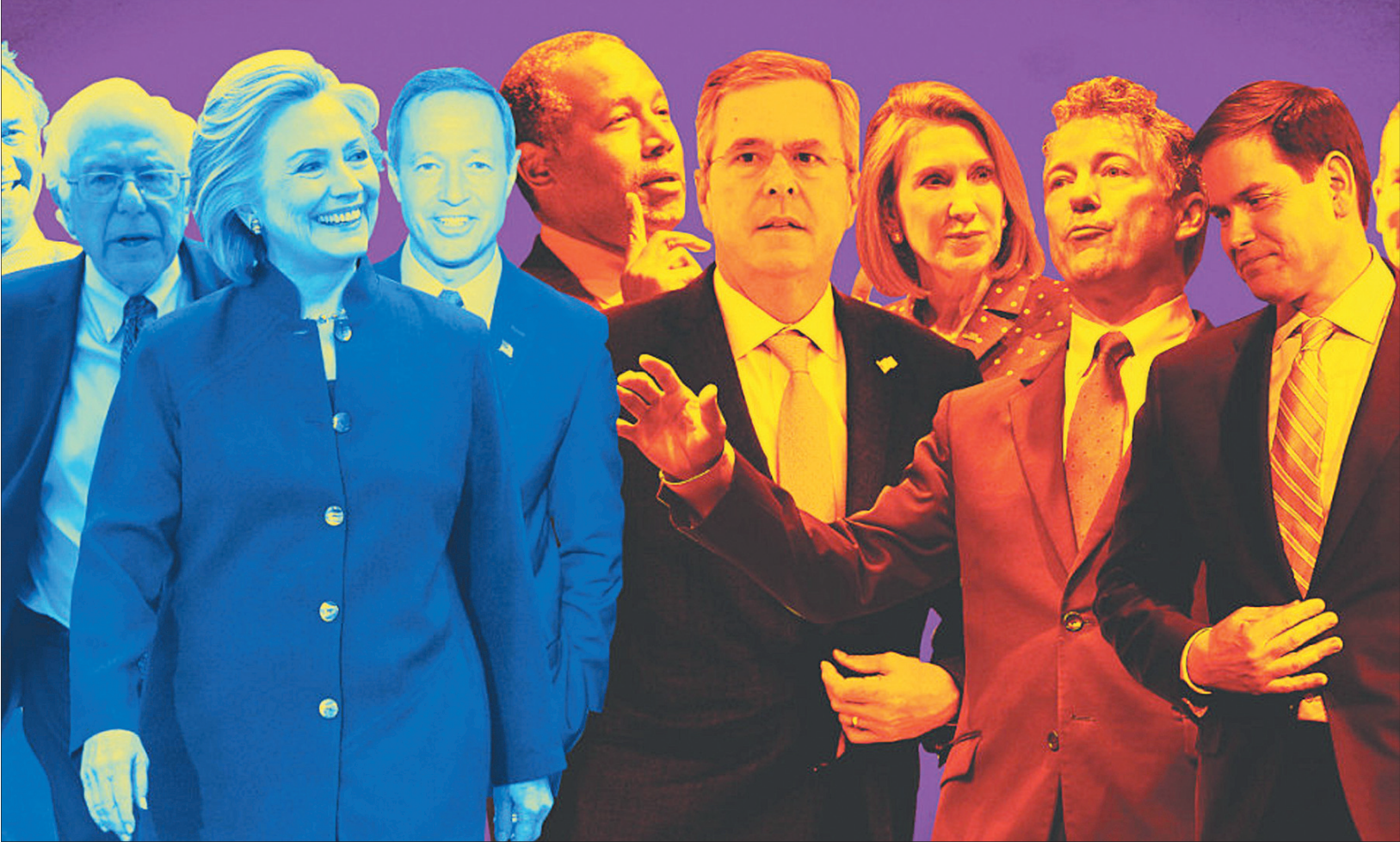
نگاه
داعش روی دیگر سکه استبداد ریم خلیفه . نویسنده و تحلیلگر بحرینی
تعدادی از حکومت‌ها بر طبل جنگ علیه گروه داعش کوبیده و قصد کرده‌اند این گروه را از بین برده یا خورش را که تهدیدی برای همه شده است، برطرف کنند. شرق و غرب به یک زبان به سخن در آمده و این تشکیلات را عامل ویرانی کشورها و نابودی ملت‌ها معرفی می‌کنند. تعدادی از دولت‌های بزرگ از جمله آمریکا، فرانسه، انگلستان و... قصد کرده‌اند از طریق نظامی این تشکیلات تروریستی را شکست دهند؛ زیرا تهدیدی برای هرکدام از این کشورها بوده و تقریباً پایتخت همه کشورها را در سراسر جهان تهدید می‌کند. اما در این میان، یک مسئله مهم وجود دارد و آن اینکه مقابله نظامی با این تشکیلات، راه‌حلی دائمی نمی‌تواند باشد؛ زیرا اندیشه‌ای که این تشکیلات از درون آن متولد شده، همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد و جوانان بیشتری را تشویق به پیمودن راه افراط‌گرایی و کشتار می‌کند. این تفکرات همچنان بین جوانان گسترش یافته و اینجا و آنجا پخش می‌شود؛ تفکراتی که مبتنی بر روش‌هایی است که به نام دین، بر حجم نفرت‌ها می‌افزاید و موجب قتل دیگران می‌شود. بیام می‌آید یک بار با یک زن مسلمان اروپایی‌تبار در لندن صحبتی داشتم. او در یک کشور عرب حوزه خلیج فارس بزرگ شده و در مدارس عربی تحصیل کرده بود. گرچه خانواده‌ای مسیحی تبار داشت اما او مسلمان شده بود و پدر و مادرش - که هنوز هم در همان کشور عرب زندگی می‌کنند و فرزندانشان را به کلیسا می‌برند- مانع این کار نشده بودند. او در بزرگسالی اسلام را آموخته و به صورتی کاملاً آزاد و دل‌خواهانه این دین را پذیرفته بود. هرچند او دیگر مسیحی نبود اما می‌گفت بارها شنیده است که نزدیکانش به او گفته‌اند مسیحیان «کافر» هستند و باید آنها را کشت. اما او چنین تفکراتی را نپذیرفته بود، چون به نظرش درست نبود.

این قبیل حرف‌ها را ما بارها شنیده‌ایم. حرف‌هایی که متأسفانه چهره اسلام را مخدوش می‌کنند. در اینجا ما به این کار نداریم که چه کسی مؤمن و چه کسی کافر است. مسئله به خود فرد برمی‌گردد که بخواهد چه دینی را انتخاب کند. در خانواده‌های اروپایی این مسئله حل شده است و خانواده به انتخاب‌های فرد احترام می‌گذارد. اما اگر افرادی بخواهند تحت‌تاثیر این‌گونه تفکرات قرار گیرند و بر اساس برداشت خودشان بخواهند تفکیک کنند که چه کسی مؤمن و چه کسی کافر است، به‌طور طبیعی این روند به سمت تفکرات افراطی و حتی تروریسم کشیده می‌شود. متأسفانه عقلانیتی که ما در برخی از کشورها و جوامع خود داریم و با آن زندگی می‌کنیم، به صورتی است که به جای سازندگی و پیشرفت، موجب تخریب بافت‌های جامعه می‌شود و ما را به سمت استفاده از تکفیر و قتل یا هر چیز دیگری که بوی توحش می‌دهد، می‌برد. این همان تفکری است که راه را بر هرگونه تسامح می‌بندد و درعوض تلاش می‌کند از شکاف‌ها و گسستگی‌های سیاسی درون کشورهای عرب بهره‌برداری کند. فرقی نمی‌کند آن کشور فقیر باشد یا ثروتمند. این عقلانیت پیوسته مفاهیم اشتباهی را منتقل کرده و جوانان را به قتل و نفرت ترغیب می‌کند. این مسئله در واقع به دلیل روند سرکوب‌های مختلف تشدید شده است؛ یعنی سرکوب هرگونه آزادی بیان و اندیشه‌های متفاوت. نزد برخی از جوانان، کشتن چنین افرادی گویی امری عادی است. این‌جوانان در واقع به هیزمی برای پروژه‌های سیاسی دیگری تبدیل شده‌اند که جز سیاست مرگ و ویرانی، هدف دیگری را دنبال نمی‌کنند. از این‌رو دیگر کسی به فکر تحقق خواسته‌های واقعی مردم از جمله برپایی عدالت و احترام به حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها نخواهد بود. هیچ‌کس نمی‌تواند آنچه داعش انجام می‌دهد را توجیه کند یا به دنبال متونی اخلاقی یا عرفی برای اثبات حقانیت آنها باشد. اما این واقعیت را نباید نادیده گرفت که داعش درواقع خلأیی را پر می‌کند که بسیاری از ملت‌ها با ازگفدادن حق مشارکت سالم سیاسی و عقب‌نشینی از صحنه سیاسی کشورشان به وجود آورده و در اختیار گروه‌هایی مانند داعش گذاشته‌اند. اینجاست که باید گفت داعش روی دیگر سکه استبداد بوده و آمده است تا قواعد بازی را عوض کند. سیاستی که سرکوب ملت‌ها در آن نقشی بی‌بديل داشته است به‌خصوص سرکوب آزادی و کرامت انسانی و تضعیع همه آن چیزهایی که جوانان منطقه در جریان بهار عربی فریاد زده و می‌خواستند اما نگذاشتند و درعوض بیهودگی و ناامیدی را بین آنها پراکندند. تشکل‌های تروریستی از دین اسلام و قومیت‌ها استفاده می‌کنند تا جاده‌صاف‌کن استبدادی جدید باشند؛ زیرا در نهایت مردم پناه‌آوردن به دیکتاتورها را بر هرج‌ومرج و بیهودگی و خون‌ریختن‌های به نام دین، ترجیح خواهند داد. منبع: الرایه

یکشنبه • ۲۲ آذر ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۶۸ • ۹

روزنامه		
جهان		
یک‌سال‌گذشت...؛بررسی واکنش سه دانشگاه بزرگ تهران	صفحه ۱۰	
کیف‌شناسی به‌جای معناشناسی؛ درباره «علیه تفسیر»	صفحه ۱۱	
نگاهی به مفهوم «عشق» از فراز دنیای مفاهیم استعاره‌ای	صفحه ۱۲	

یادداشت
جنگی که آلمان نمی‌خواهد هیچ‌کس نمی‌تواند ماهیت مرکبار و شخصیت عمیقاً بد این گروه تروریستی «داعش» را زیر سؤال ببرد. برای رهبران داعش و سرسپردگان جهانی آن، هیچ چیز مقدس نیست. زمانی این مشخص می‌شود که پای جان دیگران به وسط می‌آید اما آنها حتی جان خود را فدای انگیزه‌ای می‌کنند که کوچک‌ترین فکری درباره آن نشده است. حملات انتحاری همانند آنچه در پاریس رخ داد، جزء اثربخش‌ترین سلاح‌های مبارزان به‌اصطلاح مقدس است. همین است که آنها را بسیار غیرقابل‌پیش‌بینی می‌کند. آنها می‌توانند هر زمان و هرجا حمله کنند و همه این را می‌دانند. با وجود این، دولت آلمان معتقد است که می‌توان داعش را با حملات هوایی بیشتر شکست داد. آنها خود را فریب می‌دهند. آمریکایی‌ها و روس‌ها ماه‌هاست که مواضع دشمن را بمباران می‌کنند و اخیراً هم فرانسه و انگلیس به آنها پیوسته‌اند. بااین‌حال داعش ضربه چندانی نخورده و اراضی زیادی از چنگ آن خارج نشده است. حال اگر هزارو ۲۰۰ سرباز آلمانی با تعداد اندکی هوایم‌های شناسایی «تورنادو» به این نزاع ملحق شوند، چه فرقی می‌کند؟ کارشناسان نظامی و سیاسی مستقل نسبت به موفقیت چنین عملیاتی ابراز تردید جدی کرده‌اند. پس از آن هم نگرانی‌های حقوقی بین‌المللی وجود دارد. حتی اگر ساختارهای این شبکه تروریستی نابود شود، صلح در منطقه تضمین نشده است. فهرست بلندبالایی از استقرارهای نظامی ناکام در این قرن وجود دارد: افغانستان، عراق و لیبی تماماً کشورهایی شکست‌خورده هستند که بذرای ترور در آنها کاشته شده و هم‌اکنون رشد کرده‌اند. حال در سوریه، ناگهان ائتلافی نظامی شکل گرفته که تنها چند هفته از عمر آن می‌گذرد و از نظر تمامی طرف‌ها چیزی شبیه معاهده با شیطان است. چه کسی می‌توانست تصور کند که فردی همانند «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه، بتواند بار دیگر طرف قدرت‌های غربی شود؟ همین به‌تنبهایی نشان می‌دهد که غرب و حال آلمان تا چه اندازه درمانده و ناامید شده‌اند. دولت آلمان خود را به مخمصه انداخته است. برلین می‌داند که با موافقت برای استقرار نیرو، هم سربازان و هم مردم آلمان را به خطر می‌اندازد. البته، که این اقدام خطر حمله تروریستی داعش در خاک آلمان را افزایش می‌دهد. تروریست‌هایی هستند که میان ما زندگی می‌کنند. هنوز هم صحنه‌های دلخراش حملات پاریس تازه است. در آنجا عمدتاً شهروندان فرانسوی این حملات را انجام دادند. حال به‌دور از حس همبستگی صادقانه، آلمان در جنگی مشارکت می‌کند که هیچ استدلال سیاسی و نظامی قانع‌کننده‌ای ندارد. دولت آلمان و اعضای پارلمانی که به عملیات در سوریه رای مثبت دادند، نمی‌خواستند که ضعیف پنداشته شوند. قطعاً عامل ترازیکسی در این تصمیم نهفته است که برای هیچ‌کس ساده نیست. حامیان مشارکت آلمان خود را در بحران اخلاقی بزرگ‌تری نسبت به مخالفان می‌یابند، اما با مخالفان هم نباید به‌سادگی برخورد کرد چراکه به‌رحال آنها تواناستند جایگزین قانع‌کننده‌ای ارائه کنند. دوپچه‌وله
✱ سفیر سابق آمریکا در چک



جمهوری خواهان؛ پیروز میدان انتخابات

اگر حزب جمهوری‌خواه دوباره نشود، نامزد نهایی این حزب به احتمال زیاد «هیلاری کلinton» را شکست می‌دهد

کمتر، حتی کم‌اهمیت‌تر از تغییرات اقلیمی برخوردار است؛ موردی که «پرني سندرز» چندین‌بار پس از حملات پاریس بر آن پای فشرد. اما تجربه هیلاری کلinton در عرصه سیاست خارجی برای او مزیت است. بانوی اول سابق آمریکا هفته گذشته، شمهای از این تجربه و اختلاف‌نظرش با دیدگاه رئیس‌جمهور نسبت به داعش و اهمیت تهدیدات تروریستی را در سخنرانی‌اش در «شورای روابط خارجی» به تصویر کشید. اما او خواه‌خواه، میراث برنده کارنامه دولتی خواهد بود که در آن خدمت کرده است؛ دولتی که در زمان روی‌کاربودنش، «داعش» به‌عنوان یک تهدید از آن سر برآورد. اگر تجربه، مهم‌ترین نقش را در صحنه سیاسی امروز بازی می‌کرد، کلinton می‌توانست آسوده باشد. اما همین تجربه، به جمهوری‌خواهان این فرصت را می‌دهد تا درایت او را در زمینه سیاست خارجی زیر سؤال ببرند. امیدهای دموکرات‌ها برای حذف کرسی کاخ سفید بر دو پایه استوار است: اول، بسیج مجدد ائتلاف حامیان اواما، متشکل از جوانان، زنان مجرد و رای‌دهندگان غیر سفیدپوست؛ و دوم، امیدبستن به اینکه جمهوری‌خواهان فردی مانند ترامپ را که برای نیمی از جامعه ناخوشایند است نامزد کنند. نتیجه اینکه، اگر حزب جمهوری‌خواه دوباره نشود (که اگر ترامپ
۱۲۳
اما هیلاری کلinton خواه‌ناخواه، میراث برنده کارنامه دولتی خواهد بود که در آن خدمت کرده است؛ دولتی که در زمان روی‌کاربودنش، «داعش» به‌عنوان یک تهدید از آن سر برآورد. اگر تجربه، مهم‌ترین نقش را در صحنه سیاسی امروز بازی می‌کرد، کلinton می‌توانست آسوده باشد. اما همین تجربه، به جمهوری‌خواهان این فرصت را می‌دهد تا درایت او را در زمینه سیاست خارجی زیر سؤال ببرند
۱۲۳

نامزد نهایی حزب باشد یا به‌عنوان نامزد جریان سوم اعلام‌کандیداتوری کند احتمال آن نیز می‌رود)، از شانس بیشتری برای پیروزی در انتخابات برخوردار است. در دو انتخابات میان‌دوره‌ای اخیر، با وجود شکمش‌های تفرقه‌افکنانه میان بدنه حزب جمهوری‌خواه و جنبش «تی پارتی»، این حزب توانست سنا و مجلس نمایندگان را با قاطعیت بازپس بگیرد. آخرین نظرسنجی‌های انجام‌شده، شاخص‌های کلیدی در حال شکل‌گیری را به ما نشان می‌دهد. «استن گرینبرگ» داده‌پرداز دموکرات، که بر کشاندن «رای‌دهندگان بالقوه رو به افزایش» پای صندوق‌های رای تأکید دارد، ماه گذشته نظرسنجی‌ای را منتشر کرد که نشان می‌داد، کلinton در ایالت «هاوایی» از ترامپ عقب افتاده است و تنها یک درصد در «کلرادو» و دودرصد در «فلوریدا» از ترامپ جلوتر است. گرینبرگ چنین نتیجه می‌گیرد که بخش‌های مهمی از رای‌دهندگان دموکرات، انگیزه کافی برای رای دادن در انتخابات ریاست‌جمهوری پیش‌رو، ندارند. اگر یک جمهوری‌خواه مقبول‌تر، به‌جای ترامپ، در برابر کلinton مبارزه کند، کلinton به احتمال زیاد در تمامی ایالت‌های کلیدی محل منازعه، عقب‌تر خواهد بود. در نظرسنجی «دانشکده حقوق مارکت» در «کوسکناسن» (که برای دموکرات‌ها بسیار حیاتی است) کلinton با ۴۷ درصد، یک درصد از «مارکو روبیو» جلوتر است. نظرسنجی «فاکس نیوز» در «نیوه‌مشایر» نیز حاکی است که کلinton

تروریسم و میدان جنگ با پناه‌جویان

هولوکاست بنا شده است. ارزش‌های اروپا و کشورهای که از اصول پس از جنگ حمایت کردند مانند آمریکا، براساس تحمل، تنوع و حقوق بشر شکل گرفته است. اروپا تجربه وسیعی در این زمینه دارد. میلیون‌ها اروپایی برای بیش از یک قرن هم‌ان‌طور که در اشعار «اما لازاروس» می‌خوانیم، آمریکا برای آنبوه گسترده‌ای از مهاجران، شانس تازه‌ای برای نفس‌کشیدن به‌شمار می‌رفت. بیش از یک میلیون ویتنامی در طول و پس از جنگ ویتنام در آمریکا ساکن شدند و نزدیک به ۴۰۰ هزار پناه‌جو از کشورهای با اکثریت مسلمان پس از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی توانستند مجوز اقامت در این کشور را کسب کنند. این بخش افتخارآمیز تاریخ غرب بود که اکنون سیاستمداران آمریکایی و اروپایی آن را نادیده می‌گیرند. مجارستان و دیگر کشورهای اروپایی مرکزی مرزهایشان را بسته‌اند و احزاب دست‌راستی در سرتاسر اروپا اقداماتی علیه مسلمانان انجام داده‌اند. در ایالات متحده، سیاستمداران جمهوری‌خواه؛

اروپا و ایالات متحده باید درهای خود را به‌سوی پناه‌جویان سوری و عراقی باز کنند. آنان قربانیان گروه تروریستی «داعش» و بحران داخلی سوریه هستند. تروریست‌ها، وطن آنان را تخریب کرده‌اند، پناه‌دادن آنان نه‌تنها اقدام درستی برای این دسته از افراد است بلکه برای امنیت ما نیز مناسب است. حمله تروریستی به فرانسه در ماه نوامبر با هدف افزایش ترس توسط گروهی جهانی در قلب اروپا صورت گرفت و سیاستمداران تا زمانی که با پناه‌جویان مانند تروریست‌ها رفتار می‌کنند، به این موج دامن می‌زنند. کشیدن حصرها و موانع سیاسی در برابر این دسته از مهاجران، تنها مسیر آنان را تغییر می‌دهد. چسباندن لقب «تهدید امنیتی» بر پناه‌جویان که اکنون رهبران در هر دو سوی آتلانتیک در حال انجام آن هستند، تنها تحمل آنان را از بین می‌برد و این فرصت را در اختیار تروریست‌ها قرار می‌دهد که مسلمانان جوان را متقاعد کنند که غرب، مکان خوبی برای آنان نیست. این جنگ با ارزش‌هاست و ما باید در این نبرد پیروز شویم.
روپای مدرن برپایه جنگ جهانی دوم و



جاش کر اوسهار

ترجمه: هر مرز گیلیانه

در سراسر کمپین انتخاباتی اخیر در آمریکا، تلقی معمول چنین بوده است که «دموکرات»‌ها شانس بیشتری برای راهیایی به کاخ سفید در سال ۲۰۱۶ دارند؛ این دیدگاه «نیت سیلور» ،تحلیلیکرممتاز داده‌هاست. او می‌گوید: دموکرات‌ها هم‌اکنون از «برتری اندکی» برخوردارند. در بازارهای شرط‌بندی نیز شانس دموکرات‌ها برای تعیین رئیس‌جمهوری بعدی بسیار بالا برآورد می‌شود و رسانه‌ها نیز که تحت‌تاثیر نامزدهای پرهرج‌ومرجی مانند «دونالد ترامپ»، کاندیدای پیش‌رو جمهوری‌خواهان، هستند، این حزب را آماده نشستن بر کرسی ریاست‌جمهوری نمی‌بیند. اما همه در اشتباه هستند.

تقریباً تمامی شاخص‌های کلیدی- به استثنای تغییرات جمعیتی کشور- در سال ۲۰۱۶ به‌نفع جمهوری‌خواهان خواهند بود. اکثریت آمریکایی‌ها بر این باورند که کشور در مسیر نادرستی حرکت می‌کند. درصد رضایت از عملکرد «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا (۶۹ درصد که در نظرسنجی‌های ملی «بلومبرگ» یک رکورد محسوب می‌شود)، در فضایی که مخالفانش به‌شدت از سیاست‌هایش انتقاد می‌کنند، بسیار حداقلی است. از سوی دیگر رشد اقتصادی حاصل‌شده نیز نامتوازن بوده است، به‌گونه‌ای که تعداد آمریکایی‌های بدبین به آینده، از خوش‌بین‌ها پیشی گرفته است. میل طبیعی مردم به تغییر بعد از حضور هشت‌ساله دموکرات‌ها در کاخ سفید نیز، سنبه حزب رقیب را پرزورتر می‌کند. درهمین‌حال، نامزد احتمالی دموکرات‌ها یعنی «هیلاری کلinton» با مشکل محبوبیت حداقلی دست‌به‌گریبان است و رسوایی ایمیل‌هایش اعتماد مردم نسبت به او را به‌شدت کاهش داده است.

و البته اینها همه قبل از این بود که حملات تروریستی پاریس مسئله امنیت ملی را به یکی از دغدغه‌های اصلی در آستانه انتخابات پیش‌رو تبدیل کند. اوباما که این هفته تروریست‌های داعش را صرفاً «یک مشت قاتل با توانمندی حاصل‌شده نیز نامتوازن بوده است، به‌گونه‌ای که تعداد آمریکایی‌های بدبین به آینده، از خوش‌بین‌ها پیشی گرفته است. میل طبیعی مردم به تغییر بعد از حضور هشت‌ساله دموکرات‌ها در کاخ سفید نیز، سنبه حزب رقیب را پرزورتر می‌کند. درهمین‌حال، نامزد احتمالی دموکرات‌ها یعنی «هیلاری کلinton» با مشکل محبوبیت حداقلی دست‌به‌گریبان است و رسوایی ایمیل‌هایش اعتماد مردم نسبت به او را به‌شدت کاهش داده است.

از منظر جمهوری‌خواهان و مستقل‌ها، امنیت ملی پس از سربریدن روزنامه‌نگاران آمریکایی در سوریه در تابستان سال گذشته، به مسئله‌ای مهم و کلیدی تبدیل شده است. اما برای دموکرات‌ها، این موضوع از اهمیتی به‌مراتب



جان شاتوک

ترجمه: نفیسه کریمی

اروپا و ایالات متحده باید درهای خود را به‌سوی پناه‌جویان سوری و عراقی باز کنند. آنان قربانیان گروه تروریستی «داعش» و بحران داخلی سوریه هستند. تروریست‌ها، وطن آنان را تخریب کرده‌اند، پناه‌دادن آنان نه‌تنها اقدام درستی برای این دسته از افراد است بلکه برای امنیت ما نیز مناسب است. حمله تروریستی به فرانسه در ماه نوامبر با هدف افزایش ترس توسط گروهی جهانی در قلب اروپا صورت گرفت و سیاستمداران تا زمانی که با پناه‌جویان مانند تروریست‌ها رفتار می‌کنند، به این موج دامن می‌زنند. کشیدن حصرها و موانع سیاسی در برابر این دسته از مهاجران، تنها مسیر آنان را تغییر می‌دهد. چسباندن لقب «تهدید امنیتی» بر پناه‌جویان که اکنون رهبران در هر دو سوی آتلانتیک در حال انجام آن هستند، تنها تحمل آنان را از بین می‌برد و این فرصت را در اختیار تروریست‌ها قرار می‌دهد که مسلمانان جوان را متقاعد کنند که غرب، مکان خوبی برای آنان نیست. این جنگ با ارزش‌هاست و ما باید در این نبرد پیروز شویم.
اروپای مدرن برپایه جنگ جهانی دوم و